



آثار پنهان روش‌های تدریس

© دکتر محمد نیرو، دبیر ریاضی و دکترای برنامه‌ریزی درسی / تصویرساز: سید میثم موسوی

روش‌های گوناگون تدریس معلم، جدا از آنکه سطوح یادگیری متفاوتی را برای دانش‌آموزان در پی دارد، آثار نهانی متفاوتی را پدیدار می‌کند که در دایرهٔ برنامهٔ درسی پنهان قابل ذکر است. این موضوع در شرایط گریزناپذیر جدیدی که فضاهای مجازی را برای آموزش پیش‌رو قرار داده است، توجه و اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. همچنین، شیوه‌های گوناگون ارزشیابی هم موجب شکل‌گیری برنامهٔ درسی پنهان و نتایج ناپیدای گوناگونی خواهند شد. یادداشت حاضر، به این دو مقوله، به عنوان دیگر عوامل مؤثر محیط شناختی در ایجاد برنامهٔ درسی پنهان می‌پردازد.

● معلم اول در صحنهٔ آموزش کاملاً فعال است و فراگیرندگان او ساکت هستند، ولی فراگیرندگان در صحنهٔ آموزش کلاس دوم فعالیت می‌کنند و معلم راهنمای فعالیت‌های آن‌ها می‌شود.

● در کلاس اول، هدف یاد دادن و تکیه بر محفوظات و کسب دانستی‌های ضروری و غیرضروری است، ولی در کلاس دوم، هدف یادگیری است و فراگیرندگان به یادگیرنده‌های مادام‌العمر تبدیل می‌شوند.

اکنون شما دریابید که دانش‌آموزان هر یک از این دو کلاس، چه برنامهٔ درسی پنهان متفاوتی را تجربه می‌کنند؟ به نظر می‌رسد، سیاق معلم اول که در زمرهٔ روش‌های آموزش رایج در نظام آموزشی ما، یعنی مستقیم یا سخنرانی است، به ایجاد خصوصیات نامطلوب نظیر تسلیم، انقیاد و نداشتن رغبت و اهتمام نسبت به یادگیری و تعلیم می‌انجامد. همچنین، می‌تواند روحیهٔ انفعال، ناامیدی، سطحی‌انگاری، کوشش برای حفظ طوطی‌وار و حتی تقلب را ایجاد کند. در حالی که نظام آموزشی

را توجیه می‌کند). معلم دوم راهنمای یادگیری است و به جای پاسخ مستقیم به پرسش‌ها، می‌کوشد با پرسش‌های متعدد از فراگیرندگان، آن‌ها را به پاسخ‌های صحیح هدایت و به اندیشیدن ترغیب کند.

● معلم اول غالباً جزوه می‌گوید، مطالب کتاب را خلاصه می‌کند و فراگیرندگان را به سوی استفاده از کتاب‌های حل مسائل سوق می‌دهد. معلم دوم به فراگیرندگان پاسخ کلیشه‌ای نمی‌دهد، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که قابل بحث باشند و فرصت گفت‌وگو ایجاد می‌کند.

● معلم اول به کلاس تکلیف می‌دهد و فراگیرندگان در این فرایند تماشاگرند. معلم دوم هر فراگیر را تشویق می‌کند که از دیگران کمک بگیرد، برای نظریه‌های خود وسایلی بسازد، تجربه کند و نتیجه را گزارش دهد.

● معلم اول، خود کلاس را کنترل می‌کند و معلم دوم غالباً نظارت می‌کند و امور کلاس، از جمله حضور و غیاب را، به سرگروه‌ها وامی‌سپارد.

در نظر بگیرید دو معلم به شیوه‌های زیر به آموزش دانش‌آموزان بپردازند:

● در کلاس معلم اول، فراگیرندگان مفاهیم، تجربه‌ها و قوانین را می‌خوانند، حفظ می‌کنند و می‌کوشند آن‌ها را به خاطر بسپارند. در کلاس معلم دوم، فراگیرندگان، ضمن انجام فعالیت‌ها یا کسب تجربه، در تولید مفاهیم شرکت دارند و به‌طور مستقیم نتایج هر تجربه را به دست می‌آورند.

● فراگیرندگان کلاس معلم اول، هر چه را به امانت به ذهن خود سپرده‌اند، پس می‌دهند و هنگام آزمون، امانت‌های دریافتی را مسترد می‌کنند. در کلاس معلم دوم، فراگیرندگان با تمام افراد گروه به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند، با هم کار می‌کنند، نظرات خود را با یکدیگر مقایسه و اشتباهات خود را تصحیح می‌کنند و به فراگیری دانش یاری می‌رسانند.

● معلم اول غالباً با روش سخنرانی تدریس می‌کند و نقش حل‌کنندهٔ مسائل را ایفا می‌کند (تمرین می‌دهد، به حل تمرین‌ها کمک می‌کند و با مثال مفاهیم

سالم، همچون سیاق معلم دوم، موجب شور و شوق یادگیری، خلاقیت و نوآوری، مباحثه و نقادی می‌شود و تسهیلگر کشف واقعیت توسط خود یادگیرنده و به صورتی فعالانه، خواهد شد.

به نظر می‌رسد یکی از عواملی که در کم کردن فاصله بین برنامه درسی رسمی و پنهان تأثیر دارد، مشارکت فراگیرندگان در جریان آموزش است. در صورت مشارکت فراگیرندگان در طراحی و اجرای آموزش، آن‌ها نیز فعالیت‌های یادگیری را با اهمیت تلقی خواهند کرد و با علاقه و آگاهی، برای یادگیری و نیل به هدف‌های آموزشی تلاش می‌کنند.

آثار پنهان آموزش در دوران کرونا

با تعطیلی مدرسه‌ها به دلیل شیوع ویروس کرونا، شوکی به جامعه معلمی و فرهنگی وارد شد که تعادل نظام آموزشی را به هم زد. در این میان، بسیاری از معلمان، تا جایی که در توانشان بود تلاش کردند. از این رهگذر، حماسه‌هایی رقم زده شد، تحرک‌هایی به وجود آمد، زمینه بروز و ظهور خلاقیت‌ها و شکوفایی استعدادهایی فراهم شد تا تعادلی جدید برقرار شود. از این رو، گرچه کرونا به ما شوک وارد کرد، اما این شوک در خیلی از ابعاد ما را رشد داد و از این باب مبارک بود و این جنود الهی در عالم، مبارک هستند!

کرونا برای همه، به خصوص معلمان و جامعه فرهنگی، تهدیدی بزرگ بود، اما ما توانستیم این تهدید را به فرصت تبدیل کنیم. تمام بسترهای قبلی که از آن گریزان یا کم‌توان بودیم، به عنوان امکان‌های جدید، خود را آشکار کردند و در خدمت امر مقدس آموزش و یادگیری قرار گرفتند. کاری که قبلاً اتلاف عمر محسوب می‌شد، الان خوب و مفید تلقی می‌شود و به رشد و توسعه توانمندی بچه‌ها کمک می‌کند. گروهی از معلمان به سراغ اطلاع‌رسان‌های متفاوت رفتند، گروهی شبکه‌های اجتماعی را برگزیدند و گروهی که هیچ کدام را نداشتند، با تلفن و جزوه با بچه‌ها ارتباط برقرار کردند.

پارهای از مدرسه‌ها از قبل امکانات و زیرساخت‌هایی داشتند، اما به‌طور عمده چندان فعال نبودند. تمام مربیان و بچه‌ها با آن‌ها کار نمی‌کردند و مراجعاتی از روی سرگرمی داشتند. مدرسه‌ها این موارد را برای رشد خودشان و دانش‌آموزان جدی گرفتند و حتی گاهی پدرها و مادرها در این موضوع وارد شدند.

چنین تجربه قصد و پیش‌بینی نشده استفاده از بستر مجازی، و جهی از برنامه درسی پنهان را پیش روی معلمان و دانش‌آموزان قرار داد. به نظر می‌رسد، در دوران پساکرونا، استفاده از این فرصت، در ضمیمه کلاس‌های حضوری باقی بماند و یادگیری ترکیب به‌طور جدی در دستور کار مدرسه‌ها و معلمان قرار گیرد. بنابراین، ضرورتی از صلاحیت‌ها و توانمندی‌های جدید پیش روی معلمان قرار گرفت تا براساس آن طرحی نو در اندازند و شیوه‌های جدیدی از آموزش را تجربه کنند. این موارد را می‌توان در دو بخش یادگویی و فناوری خلاصه کرد. به عبارت دیگر، معلمان باید این دو نوع شایستگی را کسب کنند تا در دوران پساکرونا باقی بمانند.

کلمه یادگویی ریشه روسی دارد و بر علم و هنر یاددهی و یادگیری مبتنی بر طراحی آموزشی ناظر است که در آن سیر حرکت دانش‌آموز از نقطه آغاز تا نقطه پایان، برای رسیدن به اهداف یادگیری ترسیم می‌شود. در این بستر جدید، شیوه‌هایی چون یادگیری معکوس، اصول تولید محتوای الکترونیکی، هدف و مدیریت کلاس‌های برخط، و انواع مدل‌های اجرایی مدرسه‌های ترکیبی، بیش از همیشه برای معلم ضروری می‌نماید تا شیوه آموزشی اثربخشی را برای دانش‌آموزان طراحی کند.

وجه دیگر، فناوری است که بر بستر یادگویی می‌نشیند. در اینجا بحث این نیست که از تعدادی فیلم استفاده کنیم یا آن‌ها را نمایش دهیم، بلکه بحث این است که ما بتوانیم فناوری را در بستر طراحی آموزشی ببینیم و به کار بگیریم تا به اثرگذاری آموزش و تعامل بیشتر دانش‌آموزان با معلم بینجامد و حتی به مشارکت اولیا دامن بزند.

در حوزه آموزش، برنامه درسی پنهان برخاسته از کرونا، چنین نهیب می‌زند که معلمی که امروز می‌خواهد در دوران کرونا و پساکرونا کار کند، کافی نیست بگوید من رسانه‌هایی را که دیگران تولید کرده‌اند به کار می‌گیرم. معلم حرفه‌ای باید خودش دست به ابزار باشد و کار کردن با نرم‌افزارها را بداند؛ همچون کسی که می‌خواهد از ابزارهای آشپزی استفاده کند. آشپز حرفه‌ای اگر ابزار نداشته باشد، کاری نمی‌تواند بکند! بسیاری از کارها را ابزار انجام می‌دهد. این ابزارها در فضای فناوری جدید به تولید رسانه‌ها می‌انجامند.

بنابراین، لازم است معلم‌ها خودشان آستین‌ها را بالا بزنند و یاد بگیرند، تا بتوانند فیلم‌برداری کنند، فیلم‌ها را تدوین کنند، برایشان زیرنویس و صدا بگذارند و ... تمام کارهای رسانه‌سازی مورد نظر را خود انجام دهند.

آثار پنهان نظام ارزشیابی

نظام ارزشیابی نیز می‌تواند پیامدهای ضمنی به همراه داشته باشد و عادت‌ها و نگرش‌هایی خاص ایجاد کند. به طور معمول، فراگیرندگان براساس بازخوردهایی که از امتحانات و شیوه‌های ارزشیابی خود می‌گیرند، شیوه مطالعه و تعامل با مطالب علمی را جهت می‌دهند. روش‌های نامناسب ارزشیابی فشار سختی بر فراگیرندگان وارد می‌کند و ایجاد روش‌های غلط را در یادگیری سبب می‌شوند.

برای مثال، محدود کردن ارزشیابی به پایان دوره آموزش، علاوه بر فشار روانی مضاعف و اضطراب فراگیرندگان، آن‌ها را از لذت یادگیری محروم می‌کند. از سوی دیگر، بدیهی است چنانچه انگیزه یادگیرنده به اموری غیر از خوردوری و دانشوری معطوف شود و مدرس جز بازگویی وقایع و پدیده‌ها کار دیگری نکند، ارزشیابی صرفاً در طبقات پایین شناختی رخ خواهد داد.

لیکن، چنانچه ارزشیابی مبتنی بر قوه پردازش، تحلیل و ترکیب، و قضاوت اجتهادگونه فراگیرندگان صورت پذیرد، بدیهی است آنان نیز به طبقات بالاتری از حیطه شناختی نائل می‌شوند و با شناسی به بازخوانی، و حافظه‌سپاری به شناخت روابط و پدیده‌ها بدل خواهد شد. نظام ارزشیابی نامناسب ممکن است به ایجاد نگرش‌های منفی، مانند موارد زیر، منجر شود:

- نمره تنها معیار ارتقا و پیشرفت در مدرسه است.

- تحصیل و کسب معلومات و اطلاعات، به منظور پس دادن آن به شکل امتحان است.

- بهترین راه حفظ کردن است.

در حالی که به جای ارزشیابی از یادگیری، می‌توانیم در پی ارزشیابی برای یادگیری یا ارزشیابی به منزله یادگیری باشیم. امروزه معلمان خلاق در شرایط غیرحضوری و آموزش‌های ترکیبی خود، می‌توانند با استفاده از بسترهای مجازی، انواعی دیگر از شیوه‌های ارزشیابی را همچون آزمون‌های عملکردی، تحلیلی، کتاب‌باز و غیره نیز تجربه کنند.